

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	۱. نظام سیاسی، سیستم انتخاباتی و احزاب انگلیس
۵.....	۱-۱. حزب محافظه کار
۷.....	۱-۲. حزب کارگر
۹.....	۱-۳. حزب لیبرال دمکرات
۱۰.....	۲. رویکردها و چالش‌های دولت ائتلافی
۱۰.....	۲-۱. عرصه داخلی
۱۲.....	۲-۲. سیاست‌های دفاعی - امنیتی
۱۴.....	۲-۳. مناسبات با آمریکا
۱۶.....	۲-۴. مناسبات با روسیه
۱۸.....	۲-۵. مناسبات با چین
۱۹.....	۲-۶. جایگاه اتحادیه اروپا و روابط با همسایگان
۲۱.....	۲-۷. مناسبات با جمهوری اسلامی ایران
۲۵.....	۲-۸. خاورمیانه و مسئله فلسطین
۲۶.....	۲-۹. جنگ عراق و افغانستان
۲۹.....	نتیجه‌گیری
۳۱.....	پی‌نوشت‌ها

رویکردها و چالش‌های دولت ائتلافی انگلیس در عرصه داخلی و سیاست جهانی

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۳۶۷

مردادماه ۱۳۸۹



رویکردها و چالش‌های دولت ائتلافی انگلیس در عرصه داخلی و سیاست جهانی

چکیده

صحنه سیاسی انگلیس با تجربه‌ای جدید مواجه شده است. ائتلاف احزاب محافظه‌کار و لیبرال دمکرات برای تشکیل دولتی مشترک در انگلیس، بر سیاست خارجی و همچنین روابط این کشور با متحدان اصلی‌اش مؤثر خواهد بود. همچنین با اختلاف عمیقی که دو حزب محافظه‌کار و لیبرال دمکرات به‌ویژه در زمینه‌هایی چون قانون انتخابات، عضویت در اتحادیه اروپا و مهاجرت دارند، ائتلاف یا هر نوع همسویی و توافق میان لیبرال دمکرات‌ها و محافظه‌کاران را نمی‌توان امری بلندمدت در نظر گرفت و به همین دلیل نمی‌توان روی پایدار ماندن آن حساب باز کرد. از سوی دیگر، از آنجاکه دولت ائتلافی فعلی از اکثریت خوبی در پارلمان برخوردار است، احتمال دارد که بتواند تا برگزاری انتخابات بعدی در قدرت باقی بماند. در هر حال، آشنایی بیشتر با سیستم پارلمانی انگلیس و ساختار انتخاباتی خاص این کشور و مطالعه اهداف و برنامه‌های احزاب شرکت‌کننده در دولت ائتلافی و پی بردن به اختلافات و اشتراکات میان آنها، جهت درک بهتر و صحیح‌تر رفتار و عملکرد آتی انگلیس ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، مطالعه ساختار نظام سیاسی و انتخاباتی انگلیس و نیز بررسی رویکردها و چالش‌های دولت ائتلافی این کشور در مواجهه با سیاست‌های داخلی و جهانی، دورنمای کلی گزارش حاضر را تشکیل می‌دهد.



مقدمه

در پی انتخابات پارلمانی انگلیس که هیچ‌کدام از احزاب موفق نشدند به تنهایی تعداد کرسی‌های لازم را برای تشکیل دولت به‌دست آورند، بعد از ۴۰ سال دولت ائتلافی در این کشور تشکیل شد. در این انتخابات حزب محافظه‌کار^۱ ۳۰۶ کرسی، حزب کارگر^۲ ۲۵۸ کرسی و حزب لیبرال دمکرات^۳ ۵۷ کرسی کسب کردند. ۳۲۶ کرسی از مجموع ۶۵۰ کرسی مجلس عوام حداقل میزانی است که یک حزب برای تشکیل یک دولت مستقل اکثریتی به آن نیاز دارد.

به دنبال این انتخابات، حزب کارگر پس از گذشت ۱۳ سال، رهبری دولت را از دست داد و به جای آن، محافظه‌کاران با مشارکت لیبرال دمکرات‌ها دولت ائتلافی تشکیل دادند. بدین ترتیب، سنتی‌ترین نظام حکومتی جهان با تشکیل یک دولت ائتلافی میانه‌رو متمایل به راست در لندن، در آستانه تغییرات بی‌سابقه‌ای قرار گرفته است، زیرا به دلیل ائتلافی بودن و نداشتن اکثریت قاطع در پارلمان انگلیس، طبیعتاً در موضع ضعف قرار دارد.

در دولت جدید ائتلافی انگلیس، رهبر حزب محافظه‌کار، دیوید کامرون^۴ پست نخست‌وزیری را برعهده داشته و نیک کلگ^۵ رهبر حزب لیبرال دمکرات، به‌عنوان معاون نخست‌وزیر منصوب شده است، پستی که به نظر می‌رسد بیشتر جنبه تشریفاتی داشته باشد. علاوه بر نیک کلگ، چهار پست دیگر کابینه نیز به حزب لیبرال دمکرات اختصاص یافته است.

1. The Conservative Party
2. The Labour Party
3. The Liberal Democrat Party
4. David William Donald Cameron
5. Nick Clegg



دولت جدید انگلیس با مشکلات عدیده‌ای در کشور خود از جمله تقسیم قدرت سیاسی، وضعیت اقتصادی، اصلاح نظام انتخاباتی و کاهش میزان مالیات مواجه بوده و با مشکلات خاصی نیز در خارج از مرزهای این کشور همچون معضل عراق و افغانستان، موضوع صلح خاورمیانه، برقراری موازنه میان اروپا و آمریکا، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و رقابت با چین و روسیه دست به گریبان است. این درحالی است که تنها نقطه تفاهم بین دو حزب محافظه‌کار و لیبرال دمکرات، مخالفت آنها با ادامه نخست‌وزیری «گوردون براون» بوده است، در واقع این دو حزب و اعضای آن، در بسیاری از اصول و سیاست‌ها دارای اختلاف‌نظرهای اساسی هستند که این موضوع، ائتلاف کنونی انگلیس را واجد مشخصات دولت‌های ضعیف و ناپایدار ساخته است. براین اساس، این گزارش، علاوه بر مطالعه ساختار نظام سیاسی و انتخاباتی انگلیس، به بررسی رویکردها و چالش‌های دولت ائتلافی در مواجهه با سیاست‌های داخلی و جهانی خواهد پرداخت.

۱. نظام سیاسی، سیستم انتخاباتی و احزاب انگلیس

سیستم دولت در انگلیس، دمکراسی پارلمانی است که براساس آن، هر پنج‌سال یک‌بار انتخابات عمومی برگزار می‌شود و رأی‌دهندگان هر منطقه، نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند و به مجلس عوام می‌فرستند. مجلس عوام مرکز بحث‌های سیاسی در انگلیس و سرچشمه اصلی قدرت در این کشور است. در قرون وسطی، مجلس لردها قدرتمندتر بود، اما امروز مجلس عوام بر مجلس لردها اشراف دارد. لردها فقط می‌توانند قوانین جدید را به تأخیر بیاندازند. بیشتر نمایندگان در مجلس عوام، به یک حزب سیاسی تعلق



دارند و حزبی که بیشترین تعداد نمایندگان را در مجلس عوام داشته باشد، دولت را تشکیل می‌دهد. نمایندگان ارشد حزب اکثریت نیز در سمت وزیر، مسئولیت وزارتخانه‌ها را برعهده می‌گیرند. نخست‌وزیر، رهبر حزبی است که قدرت را در دست دارد؛ او وزیران را عزل و نصب می‌کند و قدرت انتخاب و کنترل بسیاری از انتصاب‌های عمومی مهم را در اختیار دارد. امروزه دفتر نخست‌وزیری آن چنان قدرتمند شده که برخی آن را مشابه ریاست‌جمهوری فرانسه یا آمریکا می‌دانند. اما، نخست‌وزیری که در یک رأی‌گیری مهم مجلس نمایندگان شکست بخورد یا رأی اعتماد کابینه را از دست بدهد، ممکن است در هر زمانی توسط اعضای حزبی از رهبری حزب و در پی آن، از نخست‌وزیری خلع شود و رهبر جدید حزب، جای وی را بگیرد (نظیر قرار گرفتن گوردون براون به‌جای تونی بلر در سال ۲۰۰۷).^(۱)

سیستم سیاسی انگلیس برای تصمیم‌گیری و برگزاری انتخابات، پیش از هر چیز، یک سیستم حزبی است و این احزاب هستند که در انتخابات سراسری، محلی یا اروپایی برای جمع‌آوری آرای مردم فعالیت می‌کنند. در سیستم دمکراسی پارلمانی انگلیس، کاندیداها توسط احزاب سیاسی نامزد می‌شوند و گاهی اوقات نیز کاندیداها شخصی مستقل در انتخابات عمومی به رقابت می‌پردازند. اما مبارزه میان احزاب برای تأثیر گذاشتن بر افکار عمومی، مبارزه‌ای دائمی و بلندمدت است و صرفاً به زمان انتخابات محدود نمی‌شود. در هر حوزه انتخابیه، کاندیدایی که بیشتر از بقیه رأی کسب کند برنده می‌شود، حتی اگر اکثریت کل آرای ریخته شده به صندوق رأی را نداشته باشد، در مجلس عوام، دولت از حزبی تشکیل می‌شود که اکثریت کرسی‌ها را دارا باشد حتی اگر حزب مخالف، در مجموع آرای بیشتری را در انتخابات از آن خود کرده باشد. دلیل این



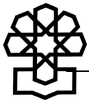
امر، نظام انتخاباتی خاص انگلیس است. طبق نظام انتخاباتی کنونی این کشور، سهم هر حزب از کرسی‌های پارلمان، معادل سهم آن حزب از کل آرای ریخته شده در صندوق‌ها نیست. با توجه به اینکه در نظام حوزه‌بندی انتخاباتی، میزان جمعیت در حوزه‌های مختلف بسیار متفاوت است، نامزدهای انتخاباتی در برخی از حوزه‌ها برای ورود به پارلمان به آرای بسیار کمتر از نامزدهای حوزه‌های دیگر نیاز دارند و این امر سبب می‌شود سهم احزاب مختلف از کل آرا با سهمی که آنها از کرسی‌های پارلمان به‌دست می‌آورند همخوانی نداشته باشد.

احزاب عمده سیاسی انگلیس عبارتند از: حزب محافظه‌کار، حزب کارگر و حزب لیبرال دمکرات.

۱-۱. حزب محافظه‌کار

حزب محافظه‌کار، قدیمی‌ترین حزب سیاسی در اروپاست. این حزب که از احزاب راست میانه در انگلیس به‌شمار می‌رود، میراث‌دار حزب توری^۱ است که پیش از سده نوزدهم میلادی در انگلیس فعالیت داشته و به همین علت امروزه نیز این حزب به‌طور غیررسمی توری‌ها خوانده می‌شود. در قرن هفدهم، پیروان تفکر سیاسی محافظه‌کار (توری‌ها)، از سلطنت حمایت می‌کردند و معتقد بودند سلطنت می‌تواند عملکرد پارلمان و مخالفان سیاسی را زیر نظر داشته باشد. از ابتدای قرن بیستم تا اواخر آن، احزاب محافظه‌کار و کارگر در دوره‌هایی قدرت را در دست داشتند. مارگارت تاچر، اولین نخست‌وزیر زن در انگلیس بود که توانست با پیروزی خود در سال ۱۹۷۹، دورانی از موفقیت‌های

1. The Tory Party



فوق‌العاده را برای محافظه‌کاران به ارمغان آورد. آقای میجر نیز به‌عنوان جانشین خانم تاچر توانست در انتخابات سال ۱۹۹۲، محافظه‌کاران را برای چهارمین دور متوالی در قدرت نگه دارد. اما او رهبری حزبی را به‌دست گرفته بود که به‌طور فزاینده‌ای بر سر جایگاه و موقعیت انگلیس در اروپا گرفتار اختلاف نظر بود تا اینکه در انتخابات سراسری سال ۱۹۹۷، حزب محافظه‌کار شکست بزرگی را تجربه کرد و موقعیتش در صحنه سیاسی انگلیس به‌شدت ضعیف شد.

به‌دنبال روی کار آمدن دولت تونی بلر از حزب کارگر و تا سال ۲۰۰۵، رهبری حزب محافظه‌کار چند بار تغییر کرد. در این سال، دیوید کامرون ۳۹ ساله، رهبری حزب را برعهده گرفت و اعلام کرد تصمیم دارد به این حزب وجهه‌ای جدید ببخشد. تلاش او برای جذب رأی زنان و جوانان انگلیسی ثمربخش بود و محبوبیت حزب محافظه‌کار در نظرسنجی‌ها به تدریج بالا رفت. با اینکه کناره‌گیری تونی بلر و به قدرت رسیدن گوردون براون در سال ۲۰۰۷ باعث شد محبوبیت حزب کارگر موقتاً اوج بگیرد، اما منصرف شدن نخست‌وزیر جدید از برگزاری انتخابات سراسری پیش از موعد باعث شد وضعیت معکوس شود و محافظه‌کارها بار دیگر در نظرسنجی‌ها پیشی بگیرند. در انتخابات پارلمانی اخیر، حزب محافظه‌کار امیدوار بود وقتی رأی‌دهندگان به پای صندوق‌های رأی می‌روند، شعار این حزب (سالی برای تغییر) را انتخاب کنند و باعث شوند محافظه‌کاران سرانجام پس از مدت زمانی طولانی، بار دیگر بر مسند قدرت بنشینند. آرزویی که اگرچه نه به‌طور کامل، اما تا حد زیادی برای محافظه‌کاران محقق شد.^(۲)

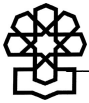
رهبران حزب محافظه‌کار در زمان انتخابات قول تغییرات عمده‌ای را در روابط میان دولت و مردم داده بودند. در بیانیه انتخاباتی این حزب وعده «توزیع مجدد و فراگیر قدرت»



از لندن به نهادهای محلی و «از حکومت به شهروندان» داده شده بود و از انتقال چشمگیری مسئولیت‌ها در امور مربوط به مدارس، بیمارستان‌ها و نیروهای پلیس به مراجع تصمیم‌گیری و دولت‌های محلی طرفداری شده بود. محافظه‌کاران همچنین مردم را ترغیب می‌کنند که به جای اتکا به کمک‌های رفاهی دولتی، به اقدامات نیکوکارانه و از سر اراده و خواست فردی بیشتر باور داشته باشند. کامرون بر دولتی کوچک‌تر که در امور، دخالت کمتری داشته باشد، تأکید دارد و در عین حال معتقد است که دولت در ایجاد آنچه او یک «جامعه بزرگ» می‌خواند (یعنی جامعه‌ای که بتواند بار زحمات و مسئولیت‌هایی را که در حال حاضر برعهده دولت است به دوش بکشد) جایگاه خاص خود را دارد. وی به جای تمرکزگرایی دولتی، بر کوچک نگاه داشتن دولت و اولویت دادن به نهادهای محلی تأکید دارد. حزب محافظه‌کار همچنین معتقد است که برای کاهش بدهی ملی و کسری بودجه عظیم خود، دولت باید در فاصله زمانی کمی بعد از انتخابات بعضی خدمات را متوقف کند. آنها قصد دارند با واگذاری اختیارات به خود مردم، نقش دولت و به‌خصوص خدمات عمومی و تأمین اجتماعی را کمرنگ‌تر کنند. اگر مردم مدرسه‌ای را دوست ندارند، باید به جای آن مدرسه جدیدی بسازند. اگر بیمارستانی محلی خود را دوست ندارند، باید حق داشته باشند آن را با بیمارستان بهتری جایگزین کنند. اما آنها توضیح نمی‌دهند که چطور قرار است افراد عادی بتوانند با تکیه بر اختیارات نهادهای محلی مدرسه، بیمارستان و یا نیروهای پلیس خود را جایگزین کنند.^(۳)

۱-۲. حزب کارگر

حزب کارگر در سال ۱۹۰۰ از درون جنبش اتحادیه کارگری انگلیس ظهور کرد و هدف از



تشکیل آن، رساندن پیام طبقه کارگر این کشور به گوش سیاستمداران بود. این حزب که در طی حیات سیاسی خود شاهد تحولات زیادی در جامعه انگلیس بوده است، سرانجام تصمیم می‌گیرد تغییر موضع داده و حزب چپ میانه شود. حزب کارگر «جدید» در انتخابات سال ۱۹۹۷ با اکثریت آرا به قدرت رسید، قدرتی که تا چندی پیش ادامه داشت. رهبران حزب کارگر در سال‌های پس از پیروزی چشمگیر خود، همواره بیان می‌داشتند که حزب مطبوعشان متعهد است تا انگلیس را مدرنیزه و آن را به جامعه‌ای تبدیل کند که بر عدالت متکی است. تونی بلر، نخست‌وزیر سابق انگلیس در دوره‌هایی که صدارت این کشور را برعهده داشته است، روشن ساخت حزب کارگر با اتحادیه‌های کارگری منصفانه برخورد خواهد کرد، اما مزیتی برای آنها قائل نخواهد شد و این حزب از سرمایه‌داری به‌عنوان شریکی در قدرت استقبال می‌کند. حزب کارگر در انتخابات سال ۲۰۰۵ نیز پیروز شد و برای سومین بار دولت را به‌دست گرفت. اما بعد از بالا گرفتن مخالفت‌های عمومی با جنگ عراق، محبوبیت حزب کارگر به‌شدت سقوط کرد.

حزب کارگر در سال‌های اخیر با چالش‌های بزرگی روبرو بوده است. در سپتامبر ۲۰۰۶ آقای بلر اعلام کرد در عرض یک سال از صدارت کناره‌گیری خواهد کرد و به این ترتیب بود که گوردون براون جایگزین او شد. بعد از آنکه آقای براون به‌رغم احیای محبوبیت حزبی در پاییز ۲۰۰۷، از برگزاری انتخابات سراسری پیش از موعد سر باز زد، حزب کارگر در ماه مه ۲۰۰۸ با بدترین نتیجه انتخابات محلی خود در ۴۰ سال گذشته مواجه شد. در پی آن و همچنین به‌دنبال سال‌ها رونق مالی، رکود اقتصادی رخ داد که باعث شد دولت آقای براون به نجات بانک‌های انگلیس بشتابد و کسری بودجه را بیشتر کند. اما کمی پیش از برگزاری انتخابات سراسری سال ۲۰۱۰، شماری از وزرای



آقای براون دولت را ترک کردند، زیرا معتقد بودند وی شانس حزب کارگر را برای یک پیروزی دیگر کم می‌کند. نهایتاً نیز ترس رهبران حزب کارگر از اینکه رأی‌دهندگان انگلیسی خواستار تغییر باشند، به واقعیت پیوست و این حزب نتوانست برای دور چهارم، حزب حاکم در انگلیس باشد.

۳-۱. حزب لیبرال دمکرات

آنچه به نام حزب لیبرال شکل گرفت، در اواسط قرن نوزدهم ظهور کرد. در اواخر قرن بیستم و در سال ۱۹۸۸، حزب لیبرال رسماً با حزب تازه تأسیس سوسیال دمکرات ادغام شد که نهایتاً خود را حزب لیبرال دمکرات نامیدند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ و تحت رهبری «پدی اشدان»، این حزب توانست در انتخابات میان‌دوره‌ای شمار قابل توجهی از کرسی‌های پارلمانی را از آن خود کند. از آن زمان به بعد، حمایت از حزب لیبرال دمکرات بالا رفت و تا زمانی که انتخابات سراسری سال ۱۹۹۷ برگزار شد، ۵۵ شورای شهر در دست این حزب بود. در این زمان، حزب لیبرال دمکرات عملاً با عقب راندن حزب محافظه‌کار، به دومین حزب بزرگ در انتخابات محلی تبدیل شده بود.

در اولین سال‌های هزاره جدید میلادی نیز لیبرال دمکرات‌ها مخالف مشارکت انگلیس در جنگ عراق بودند و از این لحاظ، همسو با بخش بزرگی از افکار عمومی این کشور قرار گرفتند. در اکتبر ۲۰۰۷ و وقتی روشن شد انتخابات سراسری پیش از موعد برگزار نخواهد شد، «منزیز کمبل»، رهبر وقت حزب استعفا داد. نیک کلگ، جوان‌ترین نامزد جانشینی آقای کمبل، در دسامبر همان سال به رهبری این حزب رسید. آقای کلگ که در آن زمان چهل سال داشت و سابق بر آن نماینده پارلمان اروپا بود، گفت



می‌خواهد حمایت رأی‌دهندگان را به حزبش جلب کند که با ارزش‌های لیبرال موافقت، اما تا آن زمان به حزب لیبرال دمکرات رأی نداده‌اند. اما چنانچه نتایج انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد، حزب لیبرال دمکرات، اصلی‌ترین بازنده نظام انتخاباتی خاص انگلیس شد و علیرغم اینکه در انتخابات تنها ۶ درصد کمتر از حزب کارگر رأی آورد، اما به لحاظ مقایسه کرسی‌های کسب شده، تقریباً کمتر از یک‌چهارم حزب کارگر موفق به کسب کرسی شد. با وجود این، به دلیل عدم پیروزی قاطع هیچ‌یک از احزاب انگلیسی در انتخابات اخیر، حزب لیبرال دمکرات این شانس را یافت تا پس از سال‌ها دوری از قدرت، در دولت ائتلافی این کشور حضور یابد.^(۵)

۲. رویکردها و چالش‌های دولت ائتلافی

۱-۲. عرصه داخلی

اقتصاد انگلیس در معرض خطر است، نرخ بیکاری در این کشور اروپایی رو به افزایش بوده و کسری بودجه نیز روند رو به رشد دارد. حال با توجه به چنین وضعیت نامطلوبی که افکار عمومی نیز از آن مطلع است، دو حزب محافظه‌کار و لیبرال دمکرات در قالب یک دولت ائتلافی گام به عرصه سیاست نهاده‌اند. این درحالی است که رهبران دو حزب دارای اختلاف‌نظرهای اساسی چه در عرصه داخلی و چه در زمینه سیاست خارجی هستند.

حزب لیبرال دمکرات که چند دهه است سیستم انتخابات در انگلیس را کهنه و غیردمکراتیک می‌داند، همواره تغییر از روش «اکثریت ساده» به «اکثریت تناسبی» را شرط اصلی خود برای همکاری پارلمانی با دیگر احزاب تعیین کرده است. در مقابل،



حزب محافظه‌کار از دیرباز بزرگ‌ترین مخالف تغییر قانون انتخابات به روش انتخاب تناسبی بوده و در اشاره به تجربه عملی این روش در کشورهای اروپایی، آن را آفریننده دولت‌های ضعیف و ناپایدار می‌داند. لذا تغییر سیستم انتخاباتی یکی از مهمترین محورهای اصلاحی است که می‌تواند حضور دوباره اقلیت‌هایی مثل لیبرال دمکرات‌ها را در قدرت تضمین کند. جدا از این پیش‌شرط دیرینه حزب لیبرال دمکرات، اکنون حادثترین مسئله پیش روی انگلیس، مقابله با بحران مالی و اقتصادی جاری است که در این مبحث نیز نقطه‌های تفاهم و همفکری با حزب محافظه‌کار ناچیز است. درحالی که حزب لیبرال دمکرات خواستار کاهش میزان مالیات بر درآمد مستقیم طبقه‌های کم‌درآمدتر و افزایش ضریب مالیاتی درآمدهای کلان‌تر است، حزب محافظه‌کار فرمولی در جهت کاستن از مالیات‌های غیرمستقیم طبقات ثروتمندتر پیشنهاد می‌کند. اختلاف‌نظرهای چشمگیر دیگر بین محافظه‌کاران با لیبرال دمکرات‌ها درخصوص اروپا و استراتژی دفاعی انگلیس است.^(۶)

از دیگر اختلاف‌نظرهای مهم، مسئله انتخاب شیوه بستن راه مهاجرت غیرقانونی نیروی کار غیرماهر از خارج از اتحادیه اروپا به انگلیس است. حزب محافظه‌کار، از پذیرش مهاجرین تنها در صورتی که به نفع اقتصاد انگلیس باشند، حمایت می‌کند و خواستار مشخص کردن میزان پذیرش مهاجرین طی هر سال است. اما لیبرال دمکرات‌ها از یک سیستم واحد پذیرش پناهندگان در کل اروپا حمایت می‌کنند و خواستار حذف نام افراد در پرکردن تقاضانامه‌های کاری، به منظور جلوگیری از تبعیض قائل شدن توسط کارفرمایان در انتخاب نفرات هستند.^(۷)



۲-۲. سیاست‌های دفاعی - امنیتی

حزب لیبرال دمکرات طرفدار خلع سلاح یک‌جانبه اتمی انگلیس و دست کشیدن از تجهیز و نوسازی زیر دریایی‌های اتمی مجهز به موشک‌های اتمی ترایدانت است. هزینه اجرای این طرح تا ۱۵۰ میلیارد دلار برآورد شده که در طول چند سال قرار است به تدریج تأمین شود. این طرح با وجود مخالفت حزب محافظه‌کار همچنان دنبال خواهد شد.^(۸) همچنین حزب لیبرال دمکرات که در سال ۲۰۰۳ بزرگ‌ترین حزبی بود که با مشارکت انگلیس در حمله آمریکا به عراق مخالفت کرد، اکنون معتقد است که صرف کردن ۱۰۰ میلیارد پوند برای نوسازی نیروی موشکی دفاع اتمی انگلیس، که با توجه به تغییر ماهیت تهدیدات بالقوه علیه امنیت ملی انگلیس، کاربرد نخواهد داشت و چیزی بجز اتلاف پول برای حفظ مقام هسته‌ای کشور خواهد بود. آنها همچنین دلگرم از برنامه رئیس‌جمهوری آمریکا برای خلع سلاح هسته‌ای جهان و امضای پیمان جدید بین آمریکا و روسیه برای کاهش تعداد کلاهک‌های هسته‌ای دو طرف، عقیده دارند نیروی هسته‌ای انگلیس را باید در شکل فعلی در معادلات مذاکرات خلع سلاح جهانی قرار داد. در این مبحث، حزب محافظه‌کار، موضع لیبرال دمکرات‌ها را ساده‌انگارانه و خطرناک می‌داند.^(۹) با وجود این، نگاه محافظه‌کاران همچون لیبرال‌ها، به سیاست دفاعی حزب کارگر در ابعاد مدیریتی کاملاً انتقادی محسوب می‌شود. به نظر آنها در طی صدارت سیزده‌ساله حزب کارگر، به علت بی‌توجهی به بخش نظامی، عملاً توان نگهداری تجهیزات ارتش سلطنتی انگلیس رو به افول رفته و قابلیت پاسخگویی دفاعی انگلستان تنزل پیدا کرده است. محافظه‌کاران برای حل مسائل دفاعی به دنبال افزایش منابع دفاعی هستند تا بدین وسیله امنیت دفاعی و دفاع استراتژیک انگلستان را بهبود بخشند.



محافظه‌کاران اهمیت همکاری مشترک نظامی را با حفظ استقلال نظامی انگلیس و در چارچوب ناتو خلاصه کرده‌اند و پیرامون همکاری در چارچوب اتحادیه اروپا، حداقل در منشور حزبی خود، حساس ظاهر شده‌اند. آنها افزایش بهره‌وری را با صرفه‌جویی ۲۵ درصد از هزینه‌ها در وزارت دفاع انگلیس تعریف کرده‌اند.^(۱۰)

محافظه‌کاران با توجه به ظهور قدرت‌های جدید در آسیا، توجه جدی و جدیدی را به حوزه آسیای غربی خصوصاً شبه‌قاره هند دارند. محافظه‌کاران همچنین تعهد خود به پاکستان را در ابعاد امنیتی - نظامی حفظ خواهند کرد و در افغانستان نیز سهم و جایگاه بیشتری را مطالبه می‌کنند. محافظه‌کاران اهمیت ویژه‌ای به دیپلماسی عمومی در بخش نظامی می‌دهند. آنها معتقدند که حزب کارگر در سیاست دفاعی از شرایط سریع جهانی شدن برخی از حوزه‌ها به خوبی استفاده نکرده است و برنامه مشخصی برای دولت‌های ضعیف و ناتوان و بازیگران بدون دولت در عرصه شرایط نامتقارن نداشته است. محافظه‌کاران راه‌حل اصلی را در عرصه دفاعی، رسیدگی به توان قابلیت، توان میان عملیاتی، توان سازگاری، توان نتیجه‌گیری و توان صادراتی ذکر می‌کنند و در اولویت عملیاتی بر پشتیبانی سریع از نیروهای خط مقدم تأکید می‌ورزند. محافظه‌کاران با توجه به مخالفت خود به برنامه‌های اتحادیه اروپا خصوصاً در زمینه چشم‌انداز تهدیدات بر پایه اجلاس لیسبون براساس نگاه به نقش ناتو به شدت بر توان بازدارندگی هسته‌ای انگلیس تأکید خواهند کرد که البته این موضوع تأثیرات جدیدی را در بحث توازن استراتژیک در اروپا و همچنین نحوه تعامل روسیه - آمریکا وارد خواهد کرد. در مجموع، سیاست‌های جدید دفاعی دولت ائتلافی انگلیس ممکن است شاهد ابتکاری جالب باشد، نخست‌وزیر جدید انگلیس علاقمند است یک شورای امنیت ملی را در این کشور



تأسیس کند که هدف از تشکیل آن هماهنگ کردن سیاست‌های خارجی با امور دفاعی خواهد بود. بنابراین انتظار می‌رود که محافظه‌کاران در اولین اقدام حقوقی و قانونی، موضوعات دفاعی و امنیتی خود را در پارلمان جدید انگلیس و از طریق کمیسیون دفاعی پیگیری کنند.^(۱۱)

۲-۳. مناسبات با آمریکا

در عرصه سیاست خارجی، سیاست حزب محافظه‌کار، نزدیکی بیشتر و همکاری نزدیک‌تر با آمریکا است و با توجه به اینکه وزیر امور خارجه دولت ائتلافی جدید یعنی ویلیام هیگ^۱ متعلق به جناح راست حزب محافظه‌کار است، این امکان تقویت می‌شود که سیاست خارجی ائتلاف جدید بیش از پیش به آمریکا متمایل شود. بنابراین دولت ائتلافی انگلیس تلاش خواهد کرد تا به واشنگتن ثابت کند که تغییری در سیاست خارجی این کشور در همراهی با آمریکا از جمله در موضوعاتی نظیر جنگ با تروریسم، جنگ افغانستان، بحران خاورمیانه و موضوع هسته‌ای ایران ایجاد نشده است.

در همین راستا، ویلیام هیگ تنها سه روز پس از انتصاب به سمت وزیر امور خارجه دولت ائتلافی، به واشنگتن رفت تا بر آنچه که سال‌هاست به‌عنوان روابط ویژه^۲ میان لندن - واشنگتن خوانده می‌شود، تأکید کند.^(۱۲) اصطلاح روابط ویژه که پس از سال‌های جنگ جهانی دوم همواره از سوی سیاستمداران در دو سوی اقیانوس اطلس برای توصیف و حتی تمجید مناسبات انگلیس و آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد، در سال‌های اخیر با انتقادات زیادی مواجه شده است. جنگ غیرقانونی عراق و همراهی

1. William Jefferson Hague
2. Special Relationship

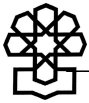


بی‌چون و چرای دولت وقت انگلیس با دولت جورج بوش در آن جنگ که در واقع با اتکا به همان روابط ویژه سنتی دو کشور انجام شد، موجی از انتقادات را علیه دولت تونی بلر برانگیخت و روابط ویژه دو کشور را با سؤالات زیادی مواجه کرد.

با وجود این، کمتر از یک ساعت پس از آنکه دیوید کامرون به‌عنوان نخست‌وزیری انگلیس انتخاب شد، باراک اوباما رئیس‌جمهوری ایالات متحده در تماسی تلفنی این پیروزی را به وی تبریک گفت. در بیانیه‌ای که دقایقی پس از این تماس از سوی کاخ سفید درخصوص این گفتگو منتشر شد، به نقل از باراک اوباما آمده است: «همان‌طور که به نخست‌وزیر هم گفتم، ایالات متحده هیچ رفیق شفیق و متحدی مانند انگلیس ندارد، من نیز برای چندمین بار بر تعهد شخصی خود به رابطه خاص میان واشنگتن و لندن تأکید می‌کنم».^(۱۳)

این درحالی است که حضور لیبرال دمکرات‌ها در دولت انگلیس که به‌طور سنتی روابط ویژه با اتحادیه اروپا را به روابط ویژه با آمریکا ترجیح می‌دهند، برخی محافل دولتی آمریکا را نگران کرده است. روزنامه دست راستی دیلی تلگراف^۱ که از طرفداران جدی حزب محافظه‌کار است هم‌زمان با سفر وزیر خارجه جدید انگلیس به آمریکا در یکی از مقالات خود نوشت که ویلیام هیگ نباید اجازه دهد سیاست خارجی انگلیس توسط لیبرال دمکرات‌های ضد‌آمریکایی منحرف شود. نویسنده این مقاله افزوده است که روابط انگلیس و آمریکا در ۱۳ سال گذشته دستخوش تغییراتی بوده است و اکنون دولت جدید باید در پی ثابت و پایدار کردن آن برآید.^(۱۴)

علیرغم وجود چنین فشارهایی، رهبران حزب محافظه‌کار به خوبی از انتقادات



مطرح شده درخصوص روابط ویژه دو کشور آگاه بوده و به همین دلیل نیز وزیر امور خارجه انگلیس پیش از ملاقات با هیلاری کلینتون، ضمن بیان اهمیت حفظ روابط ویژه کشورش با آمریکا، تأکید کرد که روابط ویژه به‌معنای روابط کورکورانه^۱ نیست و انگلیس هم، ملاحظات خود را در این زمینه مد نظر قرار خواهد داد. هیگ همچنین افزود که انگلیس و آمریکا در عمده مسائل امنیتی و اتمی هم عقیده هستند، اما موضوعاتی هم وجود دارد که ممکن است در مورد آنها اشتراک نظر نداشته باشند.^(۱۵) از این رو، به‌نظر می‌رسد که روابط ویژه انگلیس و آمریکا بر پایه منافع مشترک این دو کشور که همان تسلط بر دنیا و کنترل منابع جهانی است ادامه خواهد یافت، اگرچه انتظار می‌رود دولت جدید انگلیس شرایط تازه‌ای را برای ادامه مشارکت در افغانستان و عراق به آمریکا پیشنهاد کند.

۴-۲. مناسبات با روسیه

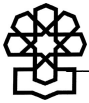
طی دو سده گذشته، مواضع انگلیس و روسیه و منافع این دو کشور در موارد متعددی در تنازع با یکدیگر قرار گرفته است. دیوید کامرون نیز پیش‌تر به کرات درخصوص رابطه با روسیه مواضعی منفی داشته است. وی به‌عنوان رئیس محافظه‌کاران انگلیس بعد از وقوع جنگ اوستیای جنوبی در اوت سال ۲۰۰۸، یکی از اولین افرادی بود که از روسیه انتقاد کرد و علاوه بر این از دولت انگلیس درخواست کرد که موضع سختگیرانه‌تری در قبال مسکو اتخاذ کند. وی همچنین درخواست کرد که روسیه را از «گروه هشت» بیرون کرده و اعطای ویزا به توریست‌های روسی سخت‌تر شود.



علاوه بر این، کامرون یک سال پیش در واشنگتن، کشورهای غربی را به اعزام نیرو به بالکان برای جلوگیری از ایجاد جنگ جدیدی توسط روسیه در اروپا فرا خوانده بود. اما در حال حاضر مسکو امیدوار است که دولت جدید انگلیس با تعقیب روابطی صریح و شفاف در ارتباط با روسیه و بدون تلاش برای قطبی کردن روابط دو طرف، گام جدیدی را در روابط دوسویه بردارد.^(۱۶)

در این رابطه، سرگئی لاوروف،^۱ وزیر امور خارجه روسیه، ابراز امیدواری کرده دولت جدید انگلستان بر همکاری‌های واقع‌بینانه و نه سیاسی‌گرایانه با مسکو تمایل داشته باشد. به نظر لاوروف، ائتلاف جدید، دولتی است که پیش از هر چیز با تکیه بر منافع انگلیس و لزوم ایجاد تعادل بین منافع با شرکای بین‌المللی، بدون تلاش برای ایدئولوژی کردن و سیاسی کردن این روابط، خط‌مشی واقع‌بینانه را دنبال خواهد کرد. براساس اظهارات وی، این انتخاب مردم انگلستان و انتخاب رأی‌دهندگان است. آندره نسترنکو^۲ (سخنگوی رسمی وزارت امور خارجه روسیه)، نیز اظهار داشت، مسکو بر روی گشایش فصلی جدید در روابط با انگلستان حساب کرده است. طبق اظهارات آندری نسترنکو، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه، این کشور اکنون تلاش می‌کند تا روابط جدیدی بین دو طرف ایجاد شود و انتظار دارد که دولت جدید انگلیس فصلی جدیدی در ارتباطات دو طرفه ایجاد کند.^(۱۷) اظهارات اخیر وزیر امور خارجه دولت جدید انگلیس نیز حاکی از امیدواری در گشایش روابط جدیدی بین دو طرف است، به‌گونه‌ای که ویلیام هیگ، قول مساعد داد که روابط انگلیس قبل از هر کشور دیگری با روسیه، هند و چین بهبود یابد.

1. Sergey Lavrov
2. Andrey Nesterenko



بنابراین می‌توان گفت که با وجود آنکه پیش‌تر، گرایش‌های روسیه‌ستیزانه به یک روند معمول در انگلیس تبدیل شده بود، اکنون وضعیت به‌طرز آشکاری تغییر یافته است. همچنین به دلیل عدم دستیابی به پیشرفت‌های چشمگیر در روابط روسیه و انگلیس در دوران گوردون براون، خواست سیاسی انگلیس برای بهبود رابطه با روسیه اکنون امری طبیعی به‌نظر می‌رسد. در این زمینه، یکی از کارشناسان روابط روسیه و انگلیس نیز معتقد است که اقدامات اولیه بهبود روابط دو طرف انجام شده است و اکنون موضع جدی و قطعی دولت جدید انگلیس و واکنش روسیه به آن می‌تواند سهم مهمی در روابط دو طرف داشته باشد. طبق نظر این کارشناس روس، در صورتی که خواست سیاسی دو طرف معطوف به بهبود روابط باشد، مناسبات دوجانبه بهبود خواهد یافت که البته نباید منتظر شروع جدید و سریع روابط دو طرف باشیم. این نزدیکی تدریجی است. البته این مسئله را نمی‌توان نادیده گرفت که وضعیت فعلی روسیه و نزدیکی این کشور به آمریکا، آلمان، ایتالیا و فرانسه اکنون پشتوانه مثبتی برای روابط این کشور و انگلیس نیز به حساب می‌آید. لندن بیش از این قادر به نادیده گرفتن مسکو نیست.

۵-۲. مناسبات با چین

دیوید کامرون در حالی در رأس دولت ائتلافی انگلیس قرار گرفت که اختلافات و مناقشات سیاسی و اقتصادی میان چین و انگلیس از دوران نخست‌وزیری گوردون براون کماکان باقی مانده است. از جمله انتقادهای انگلیس به چین در رابطه با مسئله حقوق بشر و همچنین موضع چین در رابطه با مشکلات دارفور در سودان است. در ضمن، لندن و پکن مشاجراتی در رابطه با محدودیت اشاعه گازهای گلخانه‌ای و همچنین



کاهش تعرفه‌های گمرکی داشته‌اند. با وجود این، هر دو حزب محافظه‌کار و لیبرال دمکرات انگلیس مشوق و مبلغ بازارهای باز و تجارت آزاد هستند. همچنین محافظه‌کاران خواهان استقلال بیشتر انگلیس از اتحادیه اروپا هستند و از همین رو ممکن است در دوران نخست‌وزیری دیوید کامرون، مشاجرات اقتصادی و تجاری میان انگلیس و چین، تا حدی کاهش یابد. علاوه بر این، نفوذ اتحادیه‌های کارگری انگلیس، که از ورود کالاهای چینی به شدت ناراضی‌اند، بر حزب محافظه‌کار به مراتب کمتر از حزب کارگر بوده که ممکن است در سیاست‌های دولت جدید انگلیس تأثیرات عملی کمتری بگذارد. در نهایت، محافظه‌کاران انگلیس به احتمال زیاد سیاست عملگرایانه‌تری را در رابطه با مسئله حقوق بشر در سطح بین‌المللی در پیش خواهند گرفت که به نوبه خود ممکن است به تنش‌زدایی بیشتر و برقراری آرامش بیش از پیش در مناسبات میان دو کشور انگلیس و چین، منجر شود، اگرچه حزب لیبرال دمکرات از تلاش‌های خود در زمینه حمایت از حقوق بشر دست نخواهد کشید.^(۱۸)

۶-۲. جایگاه اتحادیه اروپا و روابط با همسایگان

رابطه انگلیس و کشورهای اروپایی در طول دهه‌های اخیر همواره متأثر از روابط ویژه این کشور با آمریکا بوده است. این کشور ضمن اینکه خود را جزء لاینفکی از قاره اروپا و اتحادیه اروپا می‌داند، ولی تلاش دارد تا حد امکان به‌گونه‌ای در اروپا ادغام نشود که روابط ویژه لندن-واشنگتن را تحت تأثیر قرار دهد. نمونه این ملاحظه‌کاری را در جریان حمله به عراق شاهد بودیم که در نهایت، انگلیس اتحاد با آمریکا را به اتحاد با کشورهای اروپایی نظیر آلمان و فرانسه ترجیح داد. احزاب سیاسی انگلیس درباره



نحوه ساماندهی روابط این کشور با اتحادیه اروپا اختلاف‌نظرهای جدی‌تری در مقایسه با آمریکا دارند.

در این بین، حزب محافظه‌کار انگلیس را می‌توان در میان احزاب بزرگ این کشور، ضد اروپایی‌ترین آنها خواند. این حزب با معاهده لیسبون (به مثابه اساسنامه اتحادیه اروپا) مخالف است، ولی قصد خارج کردن انگلیس از این معاهده را ندارد. دیوید کامرون در برنامه سیاسی حزب خود برای انتخابات متعهد شده بود که بخشی از اختیارات و قوانین کشوری انگلیس را که براساس پیمان لیسبون به پارلمان اروپا و کمیسیون اتحادیه در بروکسل تفویض شده است، به مجلس عوام بازگرداند و در صورت رسیدن به قدرت، هرگز انگلیس را وارد حوزه پولی یورو نخواهد کرد. به گفته وی، حزب محافظه‌کار خواهان روابط و همکاری‌های خوب با اتحادیه اروپاست، ولی هرگز موافق اداره کشور توسط اتحادیه اروپا نیست. حزب محافظه‌کار در هر تصمیم مهمی درباره اتحادیه اروپا همه‌پرسی برگزار خواهد کرد و بدون تأیید اکثریت مردم انگلیس هیچ‌یک از اختیارات خود را به بروکسل منتقل نخواهد کرد. کامرون حتی خواستار این است که از پیوستن کشورهای جدید به اتحادیه اروپا جلوگیری شود و اگر کشور جدیدی نیز می‌پیوندد، انگلیس باید اجازه داشته باشد مقررات ویژه‌ای برای جلوگیری از ورود و خروج آزادانه اتباع این‌گونه کشورها به انگلیس وضع کند.^(۱۹)

در مقابل، حزب لیبرال دمکرات انگلیس را باید اروپاگراترین حزب این کشور خواند. لیبرال دمکرات‌ها خواهان حمایت قوی از ادامه عضویت در اتحادیه اروپا، حمایت از سیستم‌های قضایی فراگیر اروپایی، تشویق به همکاری‌های بیشتر در زمینه‌های امنیتی و دفاعی در اروپا می‌باشد. این حزب گسترش همکاری‌ها و روابط انگلیس با اتحادیه

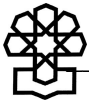


اروپا را مهمتر از روابط این کشور با قاره‌های دیگر و حتی آمریکا می‌داند. لیبرال دمکرات‌ها طرفدار همکاری بیشتر انگلیس با نهادهای اتحادیه اروپا بوده و بارها خواستار پیوستن انگلیس به پول واحد اروپایی شده‌اند. حزب لیبرال دمکرات همچنین بر جابجایی راحت‌تر نیروی کار و سرمایه میان کشورهای اروپایی تأکید دارد و معتقد است که انگلیس نباید خود را در این بازار بزرگ منزوی کند.^(۲۰)

بنابراین، سیاست دولت ائتلافی انگلیس در رابطه با اتحادیه اروپا در بازه‌ای میان اتحادیه اروپا در حوزه نقش یورو و نحوه تعامل با واشنگتن جای می‌گیرد. نیاز اروپا به انگلیس نیز کماکان باقی می‌ماند، با این تفاوت که اروپا در عرصه جهانی درون‌گرا و تا حدودی منفعل خواهد شد. تحولات داخلی انگلیس حتماً به نقش نماینده سیاست خارجی اروپا یا وزیر خارجه اتحادیه تأثیر خواهد گذاشت و نحوه انتظارات و احتیاط در موضع‌گیری‌ها افزایش خواهد داشت.

۷-۲. مناسبات با جمهوری اسلامی ایران

در زمینه روابط با ایران و مسئله فعالیت هسته‌ای کشورمان، لیبرال دمکرات‌ها مخالف هرگونه اقدام نظامی احتمالی علیه ایران و خواهان حل مسالمت‌آمیز این مناقشه از راه‌های دیپلماتیک بوده و به دنبال استقلال عمل بیشتر انگلیس در مقابل استراتژی جهانی آمریکا هستند. در اینجا نیز، رهبران حزب محافظه‌کار با لیبرال دمکرات‌ها اختلاف نظر دارند، حزب محافظه‌کار حفظ روابط نزدیک با واشنگتن را زیربنای سیاست خارجی انگلیس می‌شناسد و در مورد ایران، درحالی که حزب لیبرال دمکرات مخالف هرگونه اقدام نظامی علیه ایران برای متوقف ساختن برنامه‌های اتمی است، حزب



محافظه‌کار همسو با دولت آمریکا، استفاده از هر گزینه، از جمله استفاده از ظرفیت نظامی، برای متوقف ساختن جمهوری اسلامی را مردود نمی‌داند.^(۲۱) بنابراین، درخصوص نحوه مناسبات دولت جدید انگلیس با جمهوری اسلامی ایران، حزب محافظه‌کار شدیدتر از دولت سابق کارگری عمل خواهد کرد و از اعمال تحریم‌های بیشتر علیه جمهوری اسلامی حمایت می‌کند. البته از این لحاظ (حمایت از تحریم‌ها)، حزب لیبرال دمکرات حتی از حزب محافظه‌کار نیز سختگیرتر به نظر می‌رسد. علت مخالفت شدید حزب لیبرال دمکرات با جمهوری اسلامی، داعیه جانبداری آنها از حقوق اجتماعی و آزادی‌های سیاسی در جهان از یکسو و حمایت از تحریم به‌عنوان ابزاری برای اجتناب از جنگ و درگیری ازسوی دیگر است. از این لحاظ، موافقت با تحریم ایران تنها نقطه مشترک در زمینه سیاست خارجی است که پیرامون آن، دو حزب تشکیل‌دهنده دولت ائتلافی از هماهنگی کامل برخوردارند.

تصور سفیر سابق انگلیس در ایران نیز بر آن است که سیاست دولت جدید نسبت به ایران در مجموع تغییر نکند. دولت جدید همچنان خواهان کسب توافق در شورای امنیت خواهد بود و در عین حال به همراه همکاران اروپایی‌اش برای درپیش گرفتن اقداماتی بیشتر علیه ایران تلاش خواهد کرد. به عقیده ریچارد دالتون^۱ همزمان با این روش، آنها خواهان گشودن راه‌های تازه برای گفتگو نیز هستند، زیرا در ماه‌های اخیر شش کشور مذاکره‌کننده با ایران از امکان گفتگو ابراز امیدواری کرده‌اند و اخیراً ایران نیز به بازگشت به پای میز مذاکره ابراز تمایل کرده است. به این ترتیب وی گمان می‌کند دولت جدید انگلیس راه گفتگو را باز می‌گذارد، اما این به آن معنا نیست که در خواسته‌های اساسی شش کشور

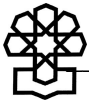
1. Richard John Dalton



مذاکره‌کننده از جمله انگلیس تغییری ایجاد شده باشد.^(۲۲)

با وجود این، حزب محافظه‌کار تا حد محدودی علاقمند مباحثات با ایران نیز است. بخشی از این علاقمندی به دلیل سیاست‌های کلی این حزب است و بخشی دیگر به واسطه نفوذی است که «نورمن لموند» بر سیاست‌های این حزب دارد. وی علاوه بر اینکه شخصاً علاقمند به بهبود روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلیس است، سال‌های زیادی رئیس اتاق بازرگانی ایران و انگلیس بوده و همچنان نیز از چهره‌های شاخص در میان سیاستمداران و نخبگان این کشور و مدافع بهبود روابط تهران و لندن است. حزب لیبرال دمکرات نیز به جهت تفاوت دیدگاه با واشنگتن، در مورد ایران نیز مانند عراق نگاه انتقادی دارد و معتقد است که دولت انگلیس تاکنون همچون آمریکا با ایران دشمنی ورزیده است. این نگاه حزب لیبرال دمکرات بیشتر متوجه دو چالش هسته‌ای و روابط ایران و فلسطین است، اما در ارتباط با دیگر چالش‌های ایران مانند بحث‌های حقوق بشری، حقوق زنان و ... این حزب سازش‌ناپذیرتر از دیگر احزاب رقیب خود با ایران است. به عبارت دیگر، اکثر انتقاداتی که به مسائل حقوق بشر و اقلیت‌ها و زنان ایران در پارلمان انگلیس می‌شود، از سوی نمایندگان حزب لیبرال دمکرات است و دو حزب کارگر و محافظه‌کار در این موارد تنش‌های کمتری با ایران دارند.^(۲۳)

از این رو، دولت جدید در لندن در زمینه تشدید تحریم‌های ایران به راحتی به همراهی و اجماع با آمریکا و اتحادیه اروپا دست خواهد یافت، اما با توجه به ائتلافی و شکننده بودن دولت جدید و نیز مخالفت حزب لیبرال با جنگ بعید به نظر می‌رسد که دولت جدید لندن حاضر و قادر باشد زیر بار تصمیمات مهم و سرنوشت‌سازی چون جنگ با ایران برود. بنابراین پیش‌بینی اینکه در دولت جدید انگلیس روابط ایران با لندن



چگونه خواهد بود، چندان مشکل نیست. ایران همان‌گونه که با غرب بر سر برخی موضوعات مشخص (همچون بحث هسته‌ای، حقوق بشر، تعریف تروریسم و...) مشکل دارد، این مشکل و سوءتفاهمات دوجانبه همچنان ادامه خواهد یافت، با این تفاوت که دولت جدید انگلیس رویکرد شدیدتری نسبت به ایران در پیش خواهد گرفت. از سوی دیگر لیبرال‌های عضو دولت ائتلافی به این دولت فشار خواهند آورد که موضوعات مربوط به حقوق بشر را در اولویت قرار دهند و در گفتمان خود نسبت به ایران، همزمان با تأکید بر موضوع هسته‌ای، حقوق بشر را نیز فراموش نکنند. علاوه بر این، دولت جدید هیچ واهمه‌ای از امضای قطعنامه تشدید تحریم ایران نخواهد داشت، زیرا ادبیات تحریم موضوعی است که هم میان محافظه‌کاران مقبول است و هم در میان لیبرال‌های مخالف جنگ به عنوان ابزاری برای اجتناب از جنگ و درگیری و نیز وارد کردن فشار اقتصادی و سیاسی مطرح است.^(۲۴)

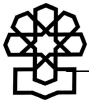
به همین جهت است که ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه جدید انگلیس در اولین روزهای کاری خود قول داد که دولت ائتلافی جدید انگلیس، همکاری نزدیکی با دولت اوباما در مورد تحریم ایران و تثبیت وضعیت عراق داشته باشد. وی در نخستین کنفرانس خبری مشترک با هم‌تای آمریکایی خود، با ابراز اظهاراتی ضدایرانی نشان داد که محافظه‌کاران قصد ندارند از تجربیات تلخ دولت کارگر در موضوعات بین‌المللی بهره‌مند شوند. هیگ با تأکید بر اینکه آمریکا متحد استراتژیک انگلیس است، تصریح کرد که سیاست انگلیس در مورد ایران تداوم خواهد داشت و رویکرد دولت جدید در این رابطه نیز مشابه دولت کارگر خواهد بود.^(۲۵) دیوید کامرون نخست‌وزیر جدید انگلیس نیز پیش از آن خواستار افزایش فشارها علیه ایران شده بود و ادعا کرد که واضح است ایران قصد ساخت تسلیحات اتمی را دارد.^(۲۶)



۲-۸. خاورمیانه و مسئله فلسطین

در مسائل مرتبط با خاورمیانه از جمله موضوع فلسطین و موضوع هسته‌ای ایران، موضع حزب محافظه‌کار بسیار نزدیک به حزب کارگر است، ولی حزب لیبرال دمکرات ملاحظات خاص خود را درخصوص مسائل خاورمیانه دارد. حزب محافظه‌کار به طور سنتی روابط بسیار خوبی با رژیم اسرائیل و لابی‌های صهیونیستی داشته و دارای تشکل ویژه‌ای موسوم به «دوستان اسرائیل» در داخل حزب خود است. این حزب از جنایات اسرائیل علیه مردم فلسطین به‌طور همه‌جانبه حمایت می‌کند و گروه‌های مقاومت نظیر حماس و حزب‌الله را تروریست می‌داند. حزب محافظه‌کار همچنین از حمله سال گذشته رژیم اسرائیل به غزه که منجر به کشته شدن بیش از ۱۴۰۰ فلسطینی و مجروح شدن هزاران نفر دیگر شد، حمایت کرد و به‌رغم فشار فزاینده افکار عمومی حتی به‌طور لفظی نیز این جنایات را محکوم نکردند. رهبران حزب محافظه‌کار همچون همتایانشان در حزب کارگر، از سیاست موسوم به تشکیل دو دولت در سرزمین‌های فلسطینی حمایت می‌کنند و تأکید دارند که هر طرحی برای حل بحران خاورمیانه باید شامل شناسایی رسمی اسرائیل و تضمین امنیت آن باشد.^(۲۷)

حزب لیبرال دمکرات نیز از اسرائیل حمایت می‌کند، اما به دلیل اینکه تاکنون در قدرت نبوده است روابط نزدیکی همچون دو حزب دیگر با رژیم اسرائیل و لابی‌های صهیونیستی ندارد، ولی مخالف جدی اقدامات خصمانه اسرائیل نیز نیست. این حزب ضمن حمایت از راه‌حل دو دولت برای حل بحران فلسطین، موضع محکم‌تری در زمینه ضرورت عقب‌نشینی اسرائیل به مرزهای قبل از سال ۱۹۶۷، توقف شهرک‌سازی‌های غیرقانونی و احترام به حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی دارد. حزب لیبرال دمکرات،



بارها از حملات اسرائیل به غزه انتقاد کرده و به‌ویژه کشتار مردم غیرنظامی و استفاده از سلاح‌های غیرمجاز را محکوم نموده است. این حزب همچنین به مناسبت‌های مختلف از محاصره غزه نیز انتقاد کرده و خواستار اعمال فشار اقتصادی اتحادیه اروپا برای برچیده شدن محاصره غزه شده است. این حزب همچنین از جمله احزابی است که با طرح حزب کارگر و حزب محافظه‌کار برای اصلاح نظام قضایی این کشور برای مصونیت بخشیدن به مقامات رژیم اسرائیل که متهم به جنایات جنگی هستند، مخالفت کرده است. هر دو حزب کارگر و محافظه‌کار تأکید دارند که این قوانین باید هرچه سریع‌تر اصلاح شود تا مقامات صهیونیستی هنگام سفر به انگلیس با استناد به کنوانسیون‌ها و حقوق بین‌المللی تحت تعقیب قضایی قرار نگیرند.^(۲۸)

۲-۹. جنگ عراق و افغانستان

در مورد ادامه جنگ در عراق و افغانستان، سیاست دو حزب ائتلافی در تقابل آشکار با یکدیگر قرار دارند. حزب لیبرال دمکرات مخالف جدی جنگ در عراق و افغانستان بوده و همواره خروج فوری نیروهای انگلیسی را از جبهه‌ها خواستار شده است. حزب لیبرال دمکرات در زمان نخست‌وزیری تونی بلر نیز به طرح حمله به عراق رأی منفی داد، درحالی که محافظه‌کاران در آن زمان موافق حمله به عراق بودند.^(۲۹) حزب محافظه‌کار انگلیس، مهمترین رقیب حزب کارگر، در آن زمان از همراهی انگلیس با آمریکا در جنگ عراق حمایت کرد، ولی پس از آنکه مشخص شد سلاح کشتار جمعی در عراق پیدا نشده و گزارش‌های اطلاعاتی دولت انگلیس نیز نادرست و گمراه‌کننده بوده، مخالفت‌های نه چندان شدیدی را درخصوص نحوه ورود به جنگ عراق مطرح کرد. این حزب بعدها



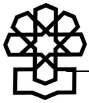
دولت کارگری انگلیس را به عدم برنامه‌ریزی مناسب و تجهیز ناکافی نظامیان این کشور در جریان جنگ عراق متهم کرد.^(۳۰)

برای دولت جدید انگلیس، مسئله مبارزه با تروریسم در عراق از اولویت برخوردار است. اکنون دو حزب محافظه‌کار و لیبرال دمکرات در مورد عراق به این نتیجه رسیده‌اند که هرچه زودتر باید از این کشور خارج شوند، البته آنها خروج از عراق را با حفظ منافع مادی انگلیس در عراق و با هماهنگی دولت این کشور لازم می‌دانند. در واقع، برای دولت ائتلافی برتانيا اهمیت دارد که در عین خروج نیروهایش از عراق همچنان جایگاه اقتصادی خود را در این کشور حفظ کند.

مسائل و تحولات افغانستان نیز موضوع مورد توجهی برای دولت جدید انگلیس است، زیرا به لحاظ سنتی رابطه افغانستان و انگلیس بهتر از روابط عراق و انگلیس بوده است. همچنین معضلات داخلی افغانستان به‌طور مستقیم بر مسائل داخلی انگلیس تأثیر دارد. مسائلی همچون مهاجرت و قاچاق انسان و مواد مخدر از معضلاتی است که مستقیماً بر روابط انگلیس و افغانستان تأثیر دارد. انگلیس در مورد افغانستان و به‌ویژه در منطقه هلمند مدعی است که ابتکار عمل را بیش از دیگر کشورهای حاضر در این کشور در دست دارد.^(۳۱)

ویلیام هیگ که به همراه لیام فاکس،^۱ وزیر دفاع و اندرو میشل،^۲ وزیر توسعه بین‌الملل انگلیس بلافاصله پس از تشکیل دولت جدید به افغانستان سفر کرده بود، دولت جدید انگلیس را دوست ثابت قدم افغانستان خواند و اعلام داشت افغانستان برای مقابله با مشکلات طولانی خود می‌تواند روی دوستی پایدار دولت جدید انگلیس حساب کند.

1. Liam Fox
2. Andrew Mitchell



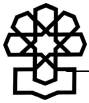
وی افزود تقویت ثبات و امنیت در افغانستان برای امنیت ملی انگلیس حیاتی است و به همین دلیل افغانستان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی دولت جدید انگلیس می‌باشد. وی دیدار از افغانستان را بسیار مفید خواند و از آنچه که خدمات شگفت‌انگیز نیروهای نظامی و پرسنل غیر نظامی انگلیسی در آن کشور خواند، تجلیل کرد.^(۳۲)

سفر سه وزیر کابینه ائتلافی انگلیس به افغانستان با حاشیه‌هایی نیز همراه بود. لیام فاکس وزیر دفاع در آغاز این سفر در مصاحبه‌ای با یک روزنامه چاپ لندن گفته بود که افغانستان یک کشور قرن سیزدهمی فروشکسته است. وی افزود گفته بود ما در افغانستان نیستیم که نظام آموزش و پرورش این کشور قرن سیزدهمی را بازسازی کنیم. ما در افغانستان هستیم تا از تهدید منافع ملی و امنیت خود دفاع کنیم. این اظهارات با واکنش منفی مقامات و رسانه‌های افغانستان مواجه شد. وزیر دفاع انگلیس همچنین تأکید کرده بود که انگلیس باید در زودترین زمان ممکن نیروهای خود را از افغانستان خارج کند. اما وزیر خارجه انگلیس طی اظهاراتی در پایان سفر به افغانستان تأکید کرد که به هیچ‌وجه عاقلانه نیست که در شرایط فعلی ما زمانی را برای خروج نیروها از افغانستان اعلام کنیم. وی گفت به‌نظر من اعلام تاریخی برای خروج از افغانستان به هیچ کس کمکی نمی‌کند. اندرو میشل نیز در جریان سفر به افغانستان و برخلاف وزیر دفاع تأکید کرد برای بازسازی افغانستان و کمک به کارکرد مناسب دولت در آن کشور، فراهم کردن تسهیلات و امکانات زیربنایی در بخش آموزش و پرورش و بهداشت بسیار حیاتی است.^(۳۳)



برای نخستین بار در ۳۶ سال اخیر، نتایج انتخابات پارلمانی در انگلیس موجب شده که برپایی یک دولت قدرتمند که از حمایت اکثریت پارلمان برخوردار باشد، غیرممکن شود. در این انتخابات، محافظه‌کاران نیرومندترین فراکسیون پارلمان را به دست آوردند، اما از آنجا که به تنهایی قادر به تشکیل دولت نبودند، ناگزیر به تقسیم قدرت و ائتلاف با حزب لیبرال دمکرات شدند. شکل دولت ائتلافی در انگلیس رویدادی بسیار نادر به‌شمار می‌رود که آخرین نمونه از این دست در حدود ۷۰ سال پیش تجربه شد. برخلاف تجربه گذشته، دولت ائتلافی فعلی از اکثریت خوبی در پارلمان برخوردار است. از این لحاظ، به نظر می‌رسد که دولت کنونی بتواند تا پنج سال آینده و برگزاری انتخابات بعدی در قدرت باقی بماند. البته کسی نمی‌تواند ضمانت کند که ائتلاف فعلی انگلیس تا انتخابات بعدی ادامه یابد. اما در هر حال، در انگلیس به‌طور سنتی دولت‌های ائتلافی نمی‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند عمل کنند و عموماً در چنین دولت‌هایی نمی‌توان تصمیم‌های قاطع و سرنوشت‌ساز گرفت. در حال حاضر نیز دولت ائتلافی انگلیس به دلیل جهت‌گیری‌ها و اهداف مختلف و بعضاً متضاد دو حزب محافظه‌کار و لیبرال دمکرات در عرصه داخلی و به‌ویژه جهانی، با چالش‌های زیادی مواجه خواهد بود.

با این وجود، تشکیل یک دولت ائتلافی بدون کوتاه آمدن هر دو طرف و برقراری مصالحه میان رهبران احزاب محافظه‌کار و لیبرال دمکرات نمی‌توانست صورت پذیرد. هرکدام از این احزاب در زمینه برخی از موضوعات جای گرفته در اهداف و برنامه‌های خود، برای دیگری امتیاز قائل شده‌اند. از عمده‌ترین مسائل مورد توافق میان دو حزب شریک که تشکیل دولت ائتلافی تازه را ممکن ساخته، تغییر قوانین انتخاباتی است.



براساس این، حزب محافظه‌کار، درخواست حزب لیبرال مبنی بر انجام اصلاحات در سیستم انتخاباتی و افزایش میزان مالیات را قبول نموده و حزب لیبرال دمکرات نیز خواسته محافظه‌کاران درخصوص محدودیت شمار مهاجرانی که از خارج از اتحادیه اروپا وارد انگلستان می‌شوند را پذیرفته است. همچنین حکومت ائتلافی اعلام کرده است که در زمینه وارد کردن انگلستان به حوزه کشورهای یورو فعالیتی نخواهد داشت.

تجربیات دهه‌های گذشته نیز نشان داده است، جا بجایی دولت‌ها در انگلیس، جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور را چندان دچار تغییر نکرده است و نوعی اجماع عمومی میان احزاب مختلف، محافل سیاسی و رسانه‌ای انگلیس درباره سیاست خارجی این کشور وجود داشته است. بر همین اساس، دولت ائتلافی انگلیس در سیاست‌های خود راجع به ایران تفاوتی با دولت سابق کارگری این کشور نخواهد داشت، بلکه تاریخ نشان داده است محافظه‌کاران همواره مواضع تند و خصمانه‌تری علیه ایران داشته‌اند. در عین حال ممکن است حزب محافظه‌کار به دلیل شکننده بودن وضعیت دولت ائتلافی در داخل انگلیس، زبان دیپلماتیک تندتری را برای استتار این معضل داخلی، در عرصه سیاست خارجی در پیش گیرد.

ازسوی دیگر، به دلیل حضور حزب لیبرال دمکرات در دولت ائتلافی جدید، انگلیس خواستار ایفای نقش مسئولانه‌ای در اروپا خواهد بود، البته بدون اینکه در اروپا حل شود. ازسوی دیگر همکاری‌های فزاینده با آمریکا براساس رعایت احترام متقابل خواهد بود.



ally-as-hague-flies-in-to-washington-1973929.html.

13. MacAskill, Ewen, "Barack Obama's praise for David Cameron SIGNALS reset in US RELATIONS", 12 May, 2010, The Guardian, Available at: <http://www.guardian.co.uk/politics/2010/may/12/barack-obama-david-cameron>.
14. Gardiner, Nile, "Five Recommendations for William Hague in his Meeting with Hillary Clinton", Daily Telegraph, Available at: <http://blogs.telegraph.co.uk/news/nilegardiner/100039632/five-recommendations-for-william-hague-in-his-meeting-with-hillary-clinton/>.
15. Fox News, "Britain's New Government promises 'solid, but not slavish' Relationship with US", 12 May, 2010, Available at: <http://www.foxnews.com/world/2010/05/12/britains-new-government-promises-solid-slavish-relationship>.

۱۶. ایران دیپلماتیک، رابطه دولت جدید انگلستان با روسیه، ۳۱ اردیبهشت، ۱۳۸۹، نک: <http://irdiplomatic.com/view-832.html>.

۱۷. لاوروف خواستار همکاری‌های عملی دولت جدید انگلیس با مسکو شد، نک: <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8902221859>.

18. Dehao, Xie, "Where will China-Britain Relations go?", China Daily, 14 May, 2010, Available at: http://www.chinadaily.com.cn/opinion/2010-05/14/content_9850602.htm.

۱۹. سیاست خارجی دولت آینده انگلیس؛ تغییر یا تداوم، نک: <http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=1109822>

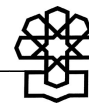
۲۰. همان.

۲۱. رادپور، شهریار. بریتانیا در جستجوی دولتی جدید، پیشین.

۲۲. ارزیابی‌ها از سیاست دولت جدید انگلیس در قبال ایران، نک: <http://www.khorasannews.com/News.aspx?type=1&year=1389&month=2&day=25&id=110845>.

۲۳. تفرشی، مجید. انتخابات مهم انگلستان و تحولات منطقه، بررسی استراتژیک، ۱۵ اردیبهشت، ۱۳۵۹، قابل دسترس در: <http://strategicreview.org/?p=13679>.

۲۴. آقازاده، مازیار. رابطه دولت جدید انگلیس با ایران چگونه خواهد بود؟، روزنامه آرمان



پی‌نوشت‌ها

۱. نقیب‌زاده، احمد. سیاست و حکومت در اروپا (انگلستان، فرانسه، آلمان و ایتالیا)، تهران، سمت، ۱۳۸۸، صص ۲۲-۴۱.

2. <http://www.conservatives.com>.

۳. فرهنگ، جهانپور. بریتانیا؛ چشم‌اندازهایی برای تغییر، نک:

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2010/05/100505_an_uk10_election_politics.shtml.

4. http://www.labour.org.uk/what_is_the_labour_party.

5. <http://www.libdems.org.uk/home.aspx>.

۶. رادپور، شهریار. بریتانیا در جستجوی دولتی جدید، نک:

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2010/04/100429_105_uk10_profile_conservative.shtml.

7. Work Permit, "UK General Election - Immigration Implications", 10 May 2010, Available at: <http://www.workpermit.com/news/2010-05-10/uk-uk-general-election-immigration-implications.htm>.

8. My News Desk, "Liberal Democratic Party: Labour's plans for Trident Replacement look Nonsensical says Davey", 30 March, 2010, Available at: <http://www.mynewsdesk.com/uk/view/pressrelease/liberal-democratic-party-labours-plans-for-trident-replacement-look-nonsensical-says-davey-390237>.

۹. رادپور. شهریار. بریتانیا در جستجوی دولتی جدید، پیشین.

۱۰. کلینی، محمدفرهاد. بررسی سیاست دفاعی حزب محافظه‌کار انگلیس، دیپلماسی ایرانی، ۲۸ اردیبهشت، ۱۳۸۹، نک:

<http://www.irdiplomacy.ir/index.php?Lang=fa&Page=24&TypeId=4&ArticleId=7577&BranchId=41&Action=ArticleBodyView>.

۱۱. همان.

12. Osborne, David, "America is STILL NUMBER-one ALLY as Hague FLIES in to Washington", The Independent, 15 May, 2010, Available at: <http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/america-is-still-numberone->



روابط عمومی. ۱. خرداد، ۱۳۸۹، نک:

http://www.armandaily.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=12795:2010-05-21-17-27-51&catid=102:2009-08-14-14-27-50&Itemid=91.

25. Osborne, David, "America is still Number-one ally as Hague Flies in to Washington", **Ibid**.

۲۶. کامرون مدعی تلاش ایران برای دستیابی به سلاح اتمی شد، ۴ خرداد ۱۳۸۹، نک:

<http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8903041681>.

۲۷. سیاست خارجی دولت آینده انگلیس؛ تغییر یا تداوم، پیشین.

۲۸. همان.

۲۹. تقی‌زاده، رضا. انتخاب نخست‌وزیر جدید؛ بریتانیا در آستانه تغییرات بزرگ، بررسی

استراتژیک، ۲۲ اردیبهشت، ۱۳۸۹، نک: <http://strategicreview.org/?p=14423>.

۳۰. سیاست خارجی دولت آینده انگلیس؛ تغییر یا تداوم، پیشین.

۳۱. تفرشی، مجید. انتخابات مهم انگلستان و تحولات منطقه، پیشین.

32. Farmer, Ben, "Afghanistan: William Hague abandons visit to Kandahar base after Taliban barrage", Daily Telegraph, 23 May, 2010, Availabel at: <http://www.telegraph.co.uk/news/newstopics/onthe frontline/7755725/Afghanistan-William-Hague-abandons-visit-to-Kandahar-base-after-Taliban-barrage.html>.

33. Sky News, "Hague On Afghan Mission - and So's Becks", 23 May, 2010, Availabel at: <http://news.sky.com/skynews/Home/Politics/William-Hague-Flies-Into-Afghanistan-With-Liam-Fox-And-Andrew-Mitchell-To-Discuss-Future-of-Country/Article/201005415636423?f=rss>.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۳۶۷

عنوان گزارش: رویکردها و چالش‌های دولت ائتلافی انگلیس در عرصه داخلی و سیاست جهانی

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: مجتبی تویسرکانی

ناظر علمی: محمد جمشیدی

متقاضی: معاونت پژوهشی

سرپرستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. انگلیس
۲. سیستم انتخاباتی
۳. دمکراسی پارلمانی
۴. حزب محافظه‌کار
۵. حزب لیبرال دمکرات
۶. دولت ائتلافی

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۵/۳۰